



## ارائه مدل علی بررسی متغیرهای مؤثر بر ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی (مورد مطالعه: شهر کاشان)

زهرا نوری<sup>۱</sup>، محسن نیازی<sup>\*۱</sup>

<sup>۱\*</sup> - گروه علوم اجتماعی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران

نوع مقاله:

پژوهشی

تاریخچه مقاله:

دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۰۸

پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۵

کلمات کلیدی:

جرایم محیط‌زیستی

فرهنگ شهروندی

هویت ملی

آگاهی محیط‌زیستی

دینداری

سرمایه اجتماعی

### چکیده

**پیشینه و هدف:** محیط‌زیست و لزوم حفاظت از آن یکی از موضوعاتی است که در عصر حاضر مورد توجه بسیاری از اندیشمندان و متخصصان حوزه‌های مختلف علم قرار گرفته است. محیط‌زیست یکی از ابعاد دستیابی به توسعه پایدار به شمار می‌آید. آن چه که بر همگان روشن است، فقدان حیات جوامع بشری بدون برخورداری از محیط زیستی سالم است. رویکردهای متفاوتی به موضوع محیط‌زیست وجود دارد که از آن جمله می‌توان به رویکرد محیط‌زیست محور و رویکرد انسان محور اشاره کرد. رویکرد اول، محیط‌زیست را در مرکز توجه خود قرار داده و لزوم حفاظت از آن را بر همگان ضروری می‌داند. رویکرد دوم، که با رویکرد فایده‌گرایانه مرتبط است، محیط‌زیست را در خدمت بشر دانسته و هرگونه حقوق اعم از حقوق حیوانات، گیاهان و غیره را از آن سلب می‌کند. رویکرد اول منجر به شکل‌گیری قوانین به منظور محافظت از محیط‌زیست می‌شود. این گونه قوانین بر مبنای هنجارها و ارزش‌ها و میزان اهمیت موضوع از نظر استراتژیست‌ها و قانون‌گذاران هر کشور برنامه‌ریزی، وضع و ابلاغ شده و توسط مجریان قوانین مورد اجرا می‌گیرند. در این میان، برخی از جرایم محیط‌زیستی ارتکاب می‌یابند که اثرات جبران‌ناپذیری را به محیط‌زیست وارد می‌کنند، اما توسط جرم‌شناسان جرم‌انگاری نشده‌اند و مرتکبان به آن هرگز مورد بازخواست و تنبیه قرار نمی‌گیرند. این گونه جرایم که در دسته‌ی جرایم حقوق بشری قرار دارند، از منظر جامعه‌شناختی مورد توجه قرار می‌گیرند. جرایم محیط‌زیستی بر اساس موقعیت جغرافیایی، فرهنگ و کنش‌های افراد متنوع بوده و از جامعه‌ای به جامعه‌ی دیگر متفاوت است. شناسایی جرایم محیط‌زیستی و نیز عوامل فرهنگی و اجتماعی مرتبط بر ارتکاب جرایم از سوی افراد جامعه به مسئولان جامعه در جهت پیشگیری از ارتکاب جرم و دستیابی به محیط‌زیستی سالم جهت ارتقای سلامت و کیفیت زندگی شهروندان کمک می‌کند. پژوهش پیش‌رو با هدف بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی توسط شهروندان کاشانی ساخت یافته است.

**مواد و روش‌ها:** پژوهش حاضر پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام گرفته است. بدین ترتیب که در ابتدا، پرسشنامه‌های استاندارد موجود و پرسشنامه‌ی محقق ساخته پیرامون جرایم محیط‌زیستی پس از سنجش پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ بین پاسخ‌گویان ۱۶ تا ۷۰ ساله‌ی کاشانی که به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شده بودند، توزیع شد. تعداد نمونه با استفاده از روش کوکران ۳۵۸ نمونه برآورد شده بود که به منظور دقت بیشتر این میزان به ۴۸۱ نمونه ارتقا یافت. داده‌ها، پس از جمع‌آوری، توسط نرم‌افزار SPSS مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت با استفاده از نرم‌افزار AMOS مدل مفهومی پژوهش مورد آزمون قرار گرفت.

**نتایج:** نتایج حاصل از پژوهش حاضر بیانگر آن است که هویت ملی با تاثیرگذاری ۰/۳۵، هویت شهری ۰/۲۸، سرمایه‌ی اجتماعی ۰/۲۷، سرمایه فرهنگی ۰/۳۸، دینداری ۰/۱۲، آگاهی محیط‌زیستی ۰/۳۳ و فرهنگ شهروندی ۰/۵۶ به شکل معکوس و معناداری بر جرایم محیط‌زیستی اثر دارند. در این میان فرهنگ شهروندی با ضریب مسیر ۰/۵۶ - بالاترین ضریب مسیر مستقیم و هویت ملی با ضریب ۰/۹۲ بالاترین اثرگذاری غیرمستقیم بر ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی را به خود اختصاص داده‌اند. هم‌چنین، در پژوهش حاضر، میزان شاخص‌های نکویی برازش GFI و AGFI و CFI و NFI بیشتر از ۰/۹۰ گزارش شده است که دال بر برازش مناسب مدل تحقیق است.

**بحث:** در این ارتباط فرهنگ شهروندی و هویت ملی به ترتیب با بالاترین تأثیر مستقیم و غیرمستقیم نقش به‌سزایی در کاهش جرایم محیط‌زیستی دارند. در نتیجه، با مشارکت هرچه بیشتر افراد جامعه در فعالیت‌های مربوط به شهر و نیز افزایش مسؤلیت‌پذیری آن‌ها در ارتباط با شهر محل زندگی و نیز شناسایی و تحکیم هویت ملی از سوی برنامه‌ریزان و مجریان قوانین می‌توان اقدامات سازنده‌ای در جهت کاهش جرایم محیط‌زیستی انجام داد.

## مقدمه

در چند دهه‌ی اخیر مباحث محیط‌زیستی مورد توجه اندیشمندان حوزه‌ی انسانی و زیستی قرار گرفته‌اند. تداوم حیات بشر مبتنی بر محیطی است که در آن زندگی می‌کند و تمامی موجودات اعم از ساده‌ترین تا پیچیده‌ترین، بدون وجود محیط‌زیست سالم قادر به بقا نیستند. بر همین مبنا، محافظت از محیط‌زیست وظیفه‌ی انسان‌ها به مثابه تنها موجودات کنشگر روی زمین است. برخورداری از محیط‌زیست مطلوب و سالم از حقوق اساسی بشر به شمار می‌رود (Aspan & Yunus, 2019) و قوانین و توافق‌نامه‌های محلی و بین‌المللی متعددی در صیانت از آن به تصویب رسیده‌اند. بنابراین، جوامع موظفند به منظور حفظ و بهبود سلامت شهروندان خود و دیگر موجودات زنده‌ی روی زمین از این قوانین و مقررات پیروی کنند. سرپیچی از این قوانین و مقررات به منزله‌ی جرم علیه محیط زیست قلمداد شده و پیامدهای ملی و بین‌المللی گسترده‌ای از قبیل آلودگی هوا و آب، فرسایش خاک، از بین رفتن جنگل‌ها و مراتع، گسترش کم‌آبی و به دنبال آن بروز انواع بیماری‌های قلبی و عروقی، تنفسی و سرطان، مشکلات اقتصادی ناشی از توسعه نیافتگی، افزایش دمای کره‌ی زمین و تغییر اقلیم را به دنبال دارد. از سوی دیگر، محیط‌زیست یکی از مؤلفه‌های توسعه‌ی پایدار به شمار می‌رود. توسعه‌ی پایدار مبتنی بر حفظ

توانایی نسل حاضر و نسل‌های آینده برای تأمین نیازهایشان به شمار می‌آید و ابعاد اجتماعی، اقتصادی و محیط‌زیستی را در بر می‌گیرد (Bawaa & Seidler, 2009). بر این اساس، توسعه صرفاً به اقتصاد محدود نشده و گستره‌ای وسیع‌تر می‌یابد که توجه به آن برای تمامی کشورها به‌ویژه کشورهای در حال توسعه که در معرض آسیب‌پذیری بیشتر و تاب‌آوری کمتر قرار دارند ضروری به نظر می‌رسد. همان‌گونه که نسل‌های گذشته با به‌کارگیری سبک زندگی سالم سعی در حفظ محیط‌زیست و انتقال آن به نسل حاضر را داشتند، نسل حاضر نیز مسؤلیت حفظ و انتقال آن به آیندگان را بر دوش دارد. بی‌تردید، با ادامه‌ی روند تخریب محیط‌زیست آن‌چه برای آیندگان به مثابه وارثان کره‌ی زمین به یادگار خواهد ماند چیزی جز ناهنجاری‌های محیط‌زیستی و به تبع آن فقر و بیماری نخواهد بود. علاوه بر این، محیط‌زیست به عنوان یکی از انواع سرمایه که از مهم‌ترین موضوعات در جامعه‌شناسی است، قلمداد می‌شود. انواع سرمایه شامل سرمایه‌ی اقتصادی، سرمایه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی انسانی، سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی طبیعی است. سرمایه‌ی طبیعی مجموعه‌ای از کالاها و خدمات ارزشمند محیط‌زیست را برای دستیابی (معاصرین) و آیندگان فراهم می‌کند (Costanza & Daly, 1992) و زندگی انسان‌ها در تمامی حوزه‌های زیستی، اقتصادی و اجتماعی تا حد زیادی به آن وابسته است.

نظر به اجتماعی قلمداد شدن مسأله‌ی محیط‌زیست، توجه به برخی عوامل فرهنگی و اجتماعی می‌تواند به کاهش جرایم و آسیب‌های وارده به محیط‌زیست خواه از جانب کنش‌گران فردی و خواه از جانب کنش‌گران اجتماعی و نیز بروز رفتارهای مسئولانه‌ی زیست محیطی در مواجهه با محیط‌زیست کمک کنند. این‌گونه عوامل شامل میزان دینداری (Taleban & Memarzade, 2020)، سرمایه فرهنگی (Nabavi & MokhtarHashi, 2018; Haghghatiyan & Vaghefi, 2017; Yazdkhasti *et al.*, 2017; McClanahan *et al.*, 2013)، سرمایه‌ی اجتماعی (Salehi & Emam Gholi, 2011; Kabiri & Karim, 2016; Bakhshi, 2016; Zade, 2016)، هویت ملی (Clayton & Vali pour & Farokhiyan, 2019) و فرهنگ شهروندی (Barak Pour & Jahan Seir, 2017; Karimi, 2017) می‌شوند. البته توجه پژوهش‌گران مذکور در ایران تاکنون بیشتر معطوف به رفتارهای محیط‌زیستی بوده که شامل رفتارهای مثبت و مسؤولانه در مواجهه با محیط‌زیست است. در بررسی مباحث نظری و پژوهش‌های صورت‌گرفته در این عرصه می‌توان به متغیرهای متعددی اشاره نمود که در ادامه به صورت اجمالی توضیح داده می‌شوند.

در این ارتباط، سرمایه‌ی اجتماعی به عنوان یکی از پرتکرارترین متغیرهای مؤثر بر رفتارها و آسیب‌های محیط‌زیستی مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. سرمایه‌ی اجتماعی از سوی برخی از جامعه‌شناسان و جرم‌شناسان به مثابه یکی از متغیرهای کلیدی در پیشگیری از جرائم تبیین شده است (Buonanno *et al.*, 2009). با توجه به دیدگاه Portes (۲۰۰۹) درباب سرمایه اجتماعی که آن را توانایی کنش‌گران به منظور محافظت از منافع به مدد عضویت در شبکه‌های اجتماعی و ساختارهای دیگر قلمداد می‌کند، سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند پیامدهایی از قبیل حمایت‌اجتماعی، احساس تعلق به اجتماع، تعلق به مکان، مشارکت شهروندی و ارتباط متقابل را به ارمغان بیاورد. در این صورت، شهروندان در مواقع بروز فاجعه به کمک یکدیگر آمده یا اینکه از بروز آن پیشگیری می‌کنند. سرمایه‌ی اجتماعی در سطح خرد، متوسط و کلان، جامعه را به سوی توسعه پایدار رهنمون می‌سازد (Nix-Stevenson, 2013).

بر این اساس، آسیب‌رسانی به محیط‌زیست و هم‌چنین جرایم محیط‌زیستی از مسایل مهم و اساسی تمامی کشورها به شمار می‌روند و بدین ترتیب، ایران هم از آسیب‌های مذکور مستثنی نبوده و گاه با مشکلاتی مضاعف رو به رو است. در پژوهشی که مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری در سال ۱۳۹۶ انجام داده است، ۱۳ مسأله از ۱۰۰ مسأله‌ی عنوان شده و مهم در ایران، در ارتباط با محیط زیست بوده‌اند (Ayandeban, 2017)، که حل آن‌ها اقداماتی جدی از سوی مردم، پژوهش‌گران عرصه محیط‌زیست، قانون‌گذاران و عوامل اجرایی را طلب می‌کند. بر همین مبنا، مسایل زیست محیطی در زمره‌ی مسایل جامعه‌شناسی قرار می‌گیرند. بروز گسترده‌ی مسایل محیط‌زیستی در چند سال گذشته موجب شده است تا گرایش جدیدی با هدف شناسایی تهدیداتی که به محیط‌زیست آسیب می‌رسانند، در رشته‌های مختلف اعم از جامعه‌شناسی، حقوق و بیوتکنولوژی ظهور یابد.

در پژوهش حاضر، آسیب‌های وارده به محیط‌زیست در قالب جرایم محیط‌زیستی و جرم‌شناسی سبز مورد توجه قرار گرفته‌اند. به عقیده‌ی جرم‌شناسان سبز، ما باید مفاهیم سنتی جرایم، بزه‌ها و رفتارهای آسیب‌رسان را مجدداً مورد ملاحظه قرار داده و بررسی نقش جوامع (کنش‌گران دولتی و سازمانی) را در تولید آسیب‌های محیط‌زیستی و تمامی گونه‌های مرتبط با آن آغاز کنیم. علاوه بر این، جرم‌شناسی باید ماهیت محدود منابع زمین و نیز مشکلات ناشی از بهره‌کشی و سوءاستفاده را مورد توجه قرار دهد (Beirne & South, 2013). اما از آنجایی که جرم‌شناسی سبز در زمره‌ی جرایم پنهان به شمار می‌رود از منظر عامل، جرم، موقعیت وقوع جرم و نیز رسانه‌ها پنهان مانده و در نهایت نادیده انگاشته می‌شوند (Davies *et al.*, 2014؛ Gidens, 2015). این مسأله می‌تواند دلیلی برای تشدید جرایم و آسیب‌ها علیه محیط زیست به شمار آید. جرایم سبز انواع متفاوتی داشته و هزینه‌های اقتصادی آن بیش از اندازه بزرگ تخمین زده شده‌اند. گستره‌ی این جرایم نیز بسیار وسیع بوده و از جرایمی که روزانه انجام می‌گیرند تا جرائم بسیار استثنایی را شامل می‌شوند.

متغیر دیگری که پژوهش حاضر مورد توجه قرار گرفته فرهنگ شهروندی است. فرهنگ شهروندی، احساس تعلق به اجتماع یا محیط جغرافیایی توصیف شده است. فرهنگ شهروندی به این معناست که شهروندان نیز در فرآیند تصمیم‌گیری نقش ایفا می‌کنند و در مفهوم رفتار پایدار به معنی نظارت شهروندان بر عملکرد حکومت در مواجهه با محیط زیست است (Dobson & Sáiz, 2005). محیط‌زیست و فرهنگ شهروندی از دیرباز با یکدیگر ارتباط داشته‌اند و شهروندی اکولوژیک به پایگاه، حقوق و فرآیندهای مشارکت شهروندان در ارتباط با محیط‌زیست توجه دارد (Crane et al., 2008). جامعه از تولید و بازتولید مدام ساخت‌های اجتماعی و فرهنگی در بستر روابط اجتماعی شکل می‌گیرد (Wyness, 2015). در بستر مشارکت شهروندان به منظور انجام مسؤلیت‌های شهروندی، وظایفی جدید تعریف شده و یا بر اساس مقتضیات روز، تعریفی دوباره می‌یابند. در این میان، یادگیری نقش مهمی در فرآیند تولید و بازتولید ساخت‌ها ایفا می‌کند. یادگیری غیر رسمی در میان خانواده، دوستان و همسایگان و همشهریان و یادگیری رسمی در مدرسه صورت گرفته و افراد در فرآیند مذکور مراقبت از محیط‌زیست و پرهیز از جرایم محیط‌زیستی را می‌آموزند. در واقع در شهر و در خلال فعالیت و مشارکت شهروندان با یکدیگر، یادگیری اجتماعی رخ می‌دهد. در نتیجه، شهروندان با تمرکز بر مسائل محیط‌زیستی قادرند، مراقبت از محیط‌زیست را به افراد دیگری که با آن‌ها مشارکت دارند تسری دهند.

از دیگر متغیرهای تأثیرگذار می‌توان به هویت ملی اشاره کرد. متغیر هویت ملی در بستر آشکار فرهنگی - اجتماعی قابل بررسی است. اگرچه ملت‌ها از ساخت‌هایی اجتماعی برخوردارند که از طریق سنت، قانون و ساختار سیاسی از هم تفکیک می‌گردند، اما مهم‌ترین موضوعی که باعث شناسایی یک ملت از دیگری می‌شود، قلمروی جغرافیایی است. هویت و احساس تعلق ملی با گسترش روابط با طبیعت افزایش می‌یابد، در این صورت، مراقبت از محیط زیست ابزار سیاسی مهمی برای حکومت‌ها به حساب می‌آید. بر این اساس، حکومت‌ها می‌توانند با فراخوان سازمان‌های مردم‌نهاد و بهره‌گیری از دانش، افکار و انرژی

اصطلاح سرمایه‌ی اجتماعی بیانگر این مطلب است که پیوندها و هنجارهای اجتماعی بخش مهمی از اساس زندگی پایدار را تشکیل می‌دهند. با توجه به شناسایی منافع شخصی بر اساس منافع سازمان یا ساختار، منافع فردی و گروهی از یکدیگر مجزا تلقی نشده و در راستای یکدیگر حرکت می‌کنند و در این صورت اجتماعات محلی به سازمان‌های اجتماعی تعهد داشته و تا زمانی که هنجارهای اجتماعی را رعایت می‌کنند، قادر به حل مشکلات موجود در مدیریت محیط‌زیست خواهند بود. مقیاس کوچک اجتماع و هم‌مونی فرهنگی غالب، به بیگانگی اجازه‌ی ظهور و بروز نداده و به همین نحو، گروه اجتماعی قادر است بر اعضای خود کنترل اجتماعی داشته باشد (Ballet et al., 2007).

هویت شهری متغیر دیگری است که به نظر صاحب‌نظران حوزه‌ی اجتماع نقش مؤثری در کاهش جرایم محیط‌زیستی ایفا می‌کند. هویت شهری، با تمرکز بر شناخت، رضایت، بازنمایی محله و هم‌مونی اجتماعی نقش مهمی در کاهش جرایم محیط‌زیستی دارد، در واقع، با افزایش درک و شناخت فرد از شهر محل زندگی، ارتقای احساس تعلق به آن و افزایش احساس همبستگی با همشهریان می‌توان جرایم محیط‌زیستی را به میزان قابل توجهی کاهش داد (Pyle, 2003). محیط‌زیست را نمی‌توان جدا از فیزیک شهر دانست. و هم‌چنین، با عنایت به تعریف اندیشمندان از هویت شهری، اجتماع شهری و علاوه بر آن، شهر به مثابه واقعیتی اجتماعی با یکدیگر در ارتباطند. پس می‌توان گفت، محیط‌زیست تأثیر بسزایی در شکل‌گیری هویت شهری دارد. زندگی در شهری کویری و یا سکونت در شهری سرسبز هویتی منحصر به فرد برای ساکنین آن رقم می‌زند. از سویی، زندگی در هر یک از شهرهای مذکور سبک زندگی متفاوتی را می‌طلبد. از سویی دیگر، افراد با درک حضور خود در اجتماع شهری، حس تعلق نسبت به یکدیگر، امکانات، فضای سبز، محیط‌های فرهنگی و حتی حیوانات و سکونت‌گاه‌های جانوری پیدا می‌کنند که آسیب و نابودی هر یک از آن‌ها را بر نمی‌تابند. در واقع حس تعلق به فضا و یکپارچگی اجتماعی ناشی از هویت شهری باعث پیشگیری از جرایم محیط‌زیستی می‌شود.

متغیر مستقل دیگری که در این پژوهش به آن اشاره شده است، سرمایه‌ی فرهنگی است. سرمایه‌ی فرهنگی به عنوان یکی از عوامل مؤثر بر جرایم سبز مورد توجه است. سرمایه‌ی فرهنگی به عواملی اشاره می‌کند که به مثابه ابزاری برای جوامع انسانی به شمار می‌آیند. ابزارهای موجود باعث ایجاد سازگاری با محیط‌زیست طبیعی و توصیف و شناسایی آن می‌گردند. فرهنگ بر اشتراکات دلالت کرده و زیربنای کنش جمعی در گروه به شمار می‌رود. شیوه‌های متفاوت مواجهه با محیط‌زیست بخش مهمی از سرمایه‌ی فرهنگی به شمار رفته و می‌تواند نقش مهمی در مراقبت از تنوع بیولوژیکی داشته باشد (Johnson, 1998). در واقع سرمایه‌ی فرهنگی و سرمایه‌ی محیط‌زیستی روابط تنگاتنگی با یکدیگر دارند (Johnson, 1998). افراد با کسب سرمایه‌های فرهنگی گوناگون قادرند با استفاده از شیوه‌های متعدد به ارتقای دانش خود پیرامون محیط‌زیست بپردازند، و از این طریق خطرات و آسیب‌هایی که به واسطه‌ی فعالیت‌های خود بر محیط زیست وارد می‌کنند را کاهش دهند.

علاوه بر این، میزان دینداری افراد در حوزه‌ی توجه به مسائل محیط‌زیستی قرار دارد. Sherkat معتقد است عقاید و منابع مذهبی تأثیر متقابلی بر عقاید و کنش‌های محیط‌زیستی دارند (Sherkat & Ellison, 2007). غالب ادیان با اشاره بر ویژگی خالقیت خداوند، تمامی پدیده‌های موجود در جهان هستی، از سیارات و ستارگان تا ریزمغذی‌های موجود در کف اقیانوس‌ها را خلقت خداوند دانسته و پاسداری از آن‌ها را وظیفه‌ی پیروان خود می‌دانند. در این اثنا، از مسیحیت تا بودا و اسلام نقش قابل توجهی برای محیط‌زیست قایل بوده و حامل رهنمودهایی به منظور مواجهه با آسیب‌های محیط‌زیستی هستند. به عنوان مثال، دین مسیحیت به منظور مقابله با مشکلات و مسایل زندگی، مقابله با عوامل ناسازگار را پیشنهاد می‌دهد. بوداییسم، اما، راهکاری متفاوت دارد. به اعتقاد بوداییست‌ها هیچ‌گونه خطری دائمی نیست بلکه ما باید بیاموزیم تا در شرایط تغییرات طبیعی، ثابت به زندگی خود ادامه دهیم. علاوه بر ادیان مذکور، دانشمندان مسلمان نیز بحران محیط‌زیستی را مورد بررسی قرار داده‌اند. بر این اساس، قرآن مشتمل بر ارجاعات بسیاری به طبیعت بوده و استفاده‌ی مطلوب از هوا، آب و زمین

آن‌ها، منابع دولتی را تقویت کنند. علاوه بر این، استفاده از ظرفیت سازمان‌های مذکور باعث به عرصه آوردن جامعه مدنی و در نتیجه کاهش اختلاف بین جامعه‌ی مدنی و حکومت می‌شود (Min Geh, 2008). سازمان‌های مردم نهاد به مثابه کاتالیزوری میان دولت و ملت همواره تلاش کرده شکاف موجود میان این دو را کاهش داده و جامعه را در حالت تعادل نگه دارد. در واقع استراتژی‌های دوستدار محیط‌زیست یکی از نقاط ارتباطی میان دولت و ملت است، که به شکل‌گیری هویت ملی و در ادامه برقراری ارتباط نزدیک بین دولت و ملت منجر می‌شود. در همین راستا، Bouchan (۲۰۰۷) طی پژوهشی در نیوزیلند به این نتیجه دست یافت که هویت ملی، بر احساس نگرانی نسبت به محیط تأثیرگذار بوده است (Clayton & Kilinc, 2013). احساس نگرانی نسبت به محیط باعث ارتقای آگاهی محیط‌زیستی و در نهایت، ارتقای فرهنگ کنش‌گری و پرسش‌گری نسبت به محیط‌زیست می‌شود. از دیگر متغیرهای تأثیرگذار که بسیاری از پژوهش‌گران به آن اشاره کرده‌اند، آگاهی محیط‌زیستی است. آگاهی محیط‌زیستی مشتمل بر رفتار و نگرش پیرامون محیط زیست است. فعالیت‌های بشر، عامل اصلی تخریب‌های محیط‌زیستی به شمار می‌آید. بنابر شواهد تاریخی بشر همواره به منظور دستیابی به منافع و ارتقای کیفیت زندگی در حال سوءاستفاده از منابع طبیعی است (Kousar et al., 2022). بر این اساس آگاهی از مسائل محیط‌زیستی، پیامد مسایل یاد شده و نحوه‌ی نگرش و رفتار نسبت به محیط‌زیست نقش مهمی در کاهش جرایم محیط‌زیستی دارد. افرادی که به هر نحو از محیط‌زیست آگاهی می‌یابند، نه تنها رفتارهای محیط‌زیست دوستانه‌ی بیشتری از خود بروز می‌دهند بلکه مسؤولیت اجتماعی بالاتری را در مقایسه با افراد ناآگاه به دوش می‌گیرند. این‌گونه افراد حتی نسبت به انسان‌های به حاشیه رانده شده اعم از زنان، اقلیت‌ها، کارگران مهاجر، اتحادیه‌های کارگری نیز حساس هستند. در واقع همه‌ی آن‌ها در زیرگروه آگاهی محیط‌زیستی طبقه‌بندی می‌شوند (Ham et al., 2016). در واقع افراد آگاه به محیط‌زیست در برابر انواع دیگر بی‌عدالتی نیز قادر به سکوت نبوده و از آن‌ها دفاع می‌کنند.

نمونه‌ی مناسب و قابل توجهی برای پژوهش مورد نظر ماست.

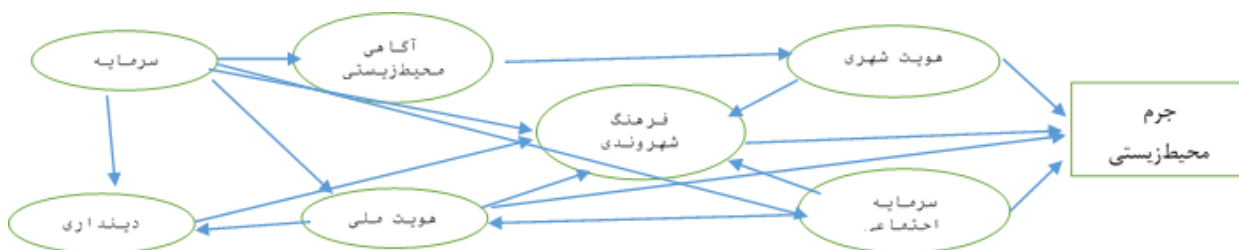
به طور کلی هدف از پژوهش حاضر بررسی عوامل فرهنگی و اجتماعی مؤثر بر جرایم محیط‌زیستی در شهر کاشان است.

بدین ترتیب فرضیات پژوهش به صورت زیر مطرح می‌شوند:

- بین سرمایه‌ی اجتماعی و جرایم محیط‌زیستی شهروندان رابطه وجود دارد.
  - بین سرمایه‌ی فرهنگی و جرایم محیط‌زیستی شهروندان رابطه وجود دارد.
  - بین میزان دینداری و جرایم محیط‌زیستی شهروندان رابطه وجود دارد.
  - بین پایبندی به فرهنگ شهروندی و جرایم محیط‌زیستی شهروندان رابطه وجود دارد.
  - بین هویت ملی و جرایم محیط‌زیستی شهروندان رابطه وجود دارد.
  - بین آگاهی محیط‌زیستی و جرایم محیط‌زیستی شهروندان رابطه وجود دارد.
  - بین هویت شهری و جرایم محیط‌زیستی شهروندان رابطه وجود دارد.
- بر اساس مطالعات پیشین و نیز نظریات موجود در زمینه-ی جرایم محیط‌زیستی مدل مفهومی پژوهش حاضر به شکل ۱ ارائه می‌شود.

کشاورزی را مورد توجه قرار داده است. لازم به ذکر است که دانشمندان مسلمان از منظر عدالت اجتماعی به موضوع محیط‌زیست توجه کرده‌اند. از این جهت، متفکران مسلمان فرسایش محیط‌زیست را مسأله‌ای اولیه قلمداد کرده‌اند که تأثیرات ژرفی در اخلاق و مذهب جوامع معاصر که از خدا دور شده‌اند دارد. Wang و همکاران (۲۰۰۹) نیز به نقش دین در رفتارهای محیط‌زیستی و همچنین مقایسه دین اسلام و مسیحیت در برابر محیط‌زیست پرداخته است. به زعم وی، دین اسلام همپوشانی نظری، اخلاقی و فلسفی بیشتری با محیط‌زیست‌گرایی در مقایسه با مسیحیت داشته و هماهنگی بیشتری را با آن نشان می‌دهند. قرآن نیز از محیط‌زیست به مثابه «نشانه» های خداوند یاد کرده و به مسلمانان رهنمودهایی در جهت حفظ محیط‌زیست ارائه می‌دهد (Hope & Jones, 2014). در پژوهش حاضر قصد بر آن است که تأثیر هر یک از این عوامل بر جرایم محیط‌زیستی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد.

حوزه‌ی مورد مطالعه‌ی پژوهش، شهر تاریخی و گردش‌گری کاشان به عنوان یکی از مقاصد سفر گردش‌گران ایرانی و خارجی است. با توجه به سابقه‌ی تاریخی و همچنین وضعیت فعلی شهر کاشان (از ابعاد گوناگون از منظر صنعت و مراکز صنعتی، فعالیت‌های اقتصادی، وضعیت اجتماعی- فرهنگی، آموزش عالی و مانند آن) که تلفیقی است از مؤلفه‌های سنت و مدرنیته،



شکل ۱- نمودار عوامل مؤثر بر ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی

## مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر با روش پیمایشی و با استفاده از تکنیک پرسشنامه انجام گرفته است. در پژوهش حاضر از پرسشنامه‌های استاندارد: سرمایه‌ی فرهنگی ( Bourdieu, 1999) با میزان پایایی ۰/۹۳، فرهنگ شهروندی ( Niazi & Jafar Pour, 2017) با پایایی ۰/۹۲، سرمایه‌ی اجتماعی ( Onyx & Bullen, 2000) با میزان پایایی ۰/۹۲، هویت ملی ( Bart Bonikowski, 2016)، هویت شهری ( Lalli, 1992) با پایایی ۰/۹۵، آگاهی محیط‌زیستی ( Hassan et al., 2010) با میزان پایایی ۰/۷۵، دینداری ( Huber & Huber, 2012) با میزان پایایی ۰/۹۵ و جرایم محیط‌زیستی (محقق ساخته) با پایایی ۰/۷۵ استفاده شده است. جامعه‌ی آماری پژوهش کلیه‌ی شهروندان ۱۶ سال به بالای شهر کاشان است، که با توجه به فرمول کوکران ۳۵۲ نفر تخمین زده شده است. با نظر استاد راهنمای محترم و به منظور افزایش دقت این پژوهش، تعداد نمونه به دست آمده به ۴۸۱ نمونه افزایش یافت. جهت نمونه-گیری از روش خوشه‌ای استفاده شده است، به نحوی که با انتخاب ۲ ناحیه از ۵ ناحیه‌ی شهری شمال، جنوب، مرکز، شرق و غرب و ۴ کوچه از هر محله، پرسشنامه‌ی مذکور بین خانه‌های محلات توزیع و سپس توسط اعضای آن تکمیل شد. در نهایت، داده‌های به دست آمده از

پرسشنامه‌ها در نرم‌افزارهای spss و amos تجزیه و تحلیل شدند.

## نتایج

در این بخش، نخست یافته‌های توصیفی، شامل ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان و میانگین توزیع پراکندگی و درصدی متغیرهای مورد بررسی و در مرحله‌ی بعد یافته‌های تحلیلی ارائه می‌شوند.

### مشخصات فردی

بر اساس یافته‌های حاصل از پژوهش، از میان ۴۸۱ پاسخگو، ۶۷/۸ زن و ۳۱/۶ مرد، ۶۹/۲ درصد از پاسخ‌گویان متأهل و ۲۳/۷ درصد مجرد، ۲۹/۷ درصد مشاغل آزاد، ۳۴/۸ درصد در مشاغل دولتی، ۲۲/۹ درصد خانه‌دار، ۱/۸ درصد بیکار و ۸/۵ درصد محصل هستند. علاوه بر این بیشترین درصد پاسخ‌گویان (۳۳/۷) درصد در مقطع کارشناسی و کمترین درصد پاسخ‌گویان ۶/۲ درصد در مقطع دکترا و بالاتر تحصیل کرده‌اند.

### یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی حاصل از پژوهش در جدول ۱ نمایش داده می‌شود.

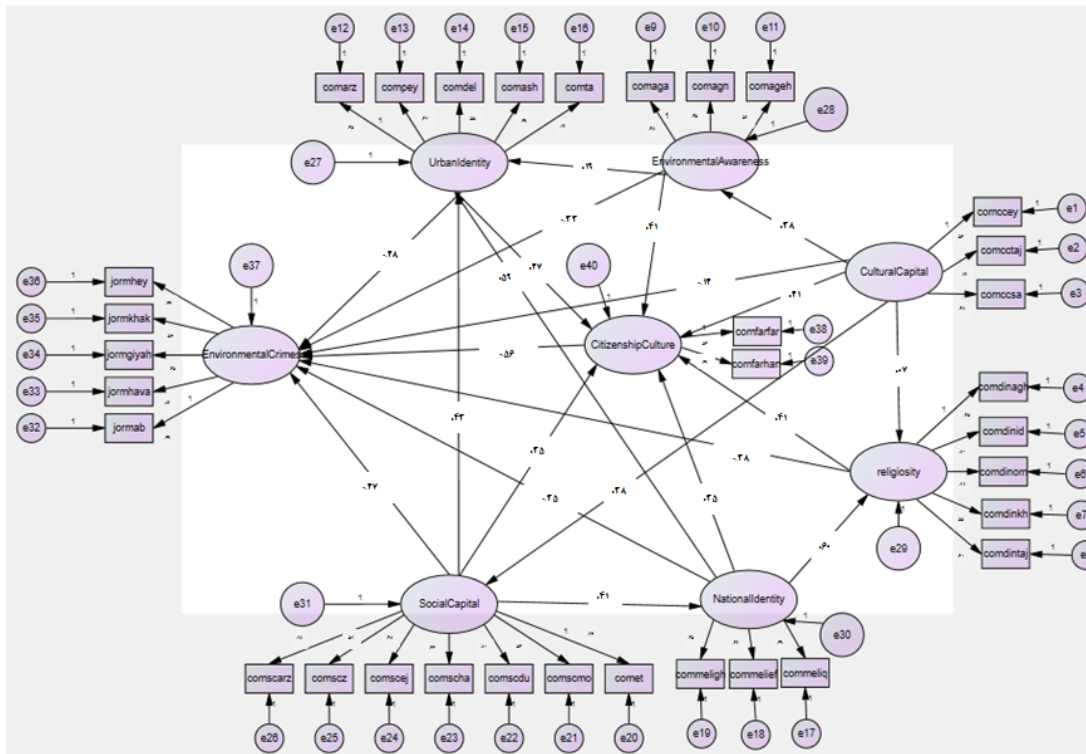
جدول ۱- میانگین شاخص‌های آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیرهای پژوهش	میانگین	انحراف استاندارد	حداقل	حداکثر
فرهنگ شهروندی	۳/۸۴	۰/۴۶	۲/۴۸	۵
آگاهی محیط‌زیستی	۳/۲۲	۰/۵۴	۱/۸۱	۴/۷۴
هویت ملی	۳/۲۹	۱/۰۱	۱/۱۸	۵
هویت شهری	۳/۴۳	۰/۹۷	۱	۵
سرمایه اجتماعی	۲/۹۹	۰/۶۷	۱	۵
دینداری	۳/۶۶	۱/۰۰	۱	۵
سرمایه فرهنگی	۲/۷۹	۰/۸۴	۱	۵
جرم محیط‌زیستی	۱/۸۹	۰/۴۵	۱/۰۴	۴/۳۸

### یافته‌های تحلیلی

بررسی قرار گرفته و نتایج در قالب شکل و جدول ۲ ارائه می‌شوند. نتایج حاصل از شکل ۲ در قالب جدول ۲ ارائه می‌شود.

پس از ارائه‌ی نمایی از پراکندگی داده‌های به دست آمده، مدل مفهومی پژوهش از طریق نرم‌افزار Amos مورد



شکل ۲- مدل مفهومی پژوهش در نرم افزار amos

جدول ۲- نتایج اجرای مدل معادلات ساختاری

ردیف	متغیرهای پنهان اثرگذار	مبدا رابطه:	مقصد رابطه:	ضریب استاندارد ( $\beta$ )	ضریب معناداری ( $t$ -value)
۱	هویت ملی	هویت ملی	جرایم محیط‌زیستی	-۰/۳۵	-۴/۷۰
۲	هویت شهری	هویت شهری	جرایم محیط‌زیستی	-۰/۲۸	-۲/۴۶
۳	سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی	جرایم محیط‌زیستی	-۰/۲۷	-۲/۴۱
۴	دینداری	دینداری	جرایم محیط‌زیستی	-۰/۳۸	-۵/۲۵
۵	سرمایه فرهنگی	سرمایه فرهنگی	جرایم محیط‌زیستی	-۰/۱۲	-۱/۸۷
۶	آگاهی محیط‌زیستی	آگاهی محیط‌زیستی	جرایم محیط‌زیستی	-۰/۳۳	-۴/۱۴
۷	فرهنگ شهروندی	فرهنگ شهروندی	جرایم محیط‌زیستی	-۰/۵۶	-۷/۲۱
۸	هویت شهری	فرهنگ شهروندی	فرهنگ شهروندی	۰/۲۷	۲/۴۱
۹	آگاهی محیط‌زیستی	هویت شهری	هویت شهری	۰/۱۹	۱/۹۸
۱۰	آگاهی محیط‌زیستی	فرهنگ شهروندی	فرهنگ شهروندی	۰/۴۱	۵/۸۰
۱۱	دینداری	فرهنگ شهروندی	فرهنگ شهروندی	۰/۴۱	۵/۸۰
۱۲	سرمایه فرهنگی	آگاهی محیط‌زیستی	آگاهی محیط‌زیستی	۰/۲۹	۲/۵۳
۱۳	سرمایه فرهنگی	فرهنگ شهروندی	فرهنگ شهروندی	۰/۲۱	۲/۰۷
۱۴	سرمایه فرهنگی	سرمایه اجتماعی	سرمایه اجتماعی	۰/۳۸	۵/۲۵
۱۵	سرمایه فرهنگی	دینداری	دینداری	۰/۰۷	۱/۱۳
۱۶	هویت ملی	فرهنگ شهروندی	فرهنگ شهروندی	۰/۳۵	۴/۷۰
۱۷	هویت ملی	دینداری	دینداری	۰/۶۰	۷/۸۵
۱۸	هویت ملی	هویت شهری	هویت شهری	۰/۵۹	۷/۸۱
۱۹	سرمایه اجتماعی	فرهنگ شهروندی	فرهنگ شهروندی	۰/۳۵	۴/۷۰
۲۰	سرمایه اجتماعی	هویت ملی	هویت ملی	۰/۴۱	۵/۸۰
۲۱	سرمایه اجتماعی	هویت شهری	هویت شهری	۰/۴۳	۵/۸۴



۰/۵۶- بالاترین ضریب مسیر مستقیم را به خود اختصاص داده است، لذا با افزایش سطح فرهنگ شهروندی در قالب پایبندی به ارزش‌های فردی و جمعی و نیز هنجارهای شهروندی، از میزان تمایل شهروندان به جرایم محیط زیستی کاسته می‌شود. دیگر روابط میان متغیرهای موجود در مدل نیز بر مبنای ضرایب استاندارد و ضرایب معناداری آن‌ها، مورد تأیید قرار گرفته‌اند. در بخش دیگری از نتایج، به تحلیل اثرات غیرمستقیم مؤثر بر جرم محیط‌زیستی تحلیل شده است. نتایج حاصل از تأثیر مستقیم و غیرمستقیم و کل هر یک از متغیرهای موجود در مدل در قالب جدول ۳ ارائه شده است.

با توجه به این‌که سطح معنی‌داری روابط میان تمامی متغیرهای مستقل (هویت ملی، هویت شهری، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، دینداری، آگاهی محیط زیستی، فرهنگ شهروندی) به جز رابطه میان سرمایه فرهنگی و دینداری کمتر از ۰/۰۵ قرار گرفته است، لذا می‌توان گفت همه روابط مذکور در مدل تبیینی جرائم محیط‌زیستی معنی‌دار شده‌اند. به عبارت دیگر، هویت ملی، هویت شهری، سرمایه اجتماعی، سرمایه فرهنگی، دینداری، آگاهی محیط‌زیستی و فرهنگ شهروندی به شکل معکوس و معناداری بر جرایم محیط‌زیستی اثر می‌نهد. در این میان فرهنگ شهروندی با ضریب مسیر

جدول ۳- نتایج تأثیرات مستقیم و غیر مستقیم

اثرات کل	اثر غیرمستقیم	اثر مستقیم	مستقل
-۰/۴۵	= ۰/۳۳	-۰/۱۲	سرمایه فرهنگی
-۰/۹۲	= ۰/۷۰	-۰/۳۵	هویت ملی
-۰/۸۶	= ۰/۵۹	-۰/۲۷	سرمایه اجتماعی
-۰/۰۶۰	= ۰/۲۲	-۰/۳۸	دینداری
-۰/۴۳	= ۰/۱۵	-۰/۲۸	هویت شهری
-۰/۶۲	= ۰/۲۹	-۰/۳۳	آگاهی محیط‌زیستی
-۰/۵۶	.	-۰/۵۶	فرهنگ شهروندی

می‌نهد. به تعبیر دیگر، با افزایش تعلق قانونی، افتخار و غرور ملی شهروندان در قالب هویت ملی، از میزان گرایش شهروندان نسبت به جرم محیط‌زیستی کاسته می‌شود.

#### بررسی تناسب مدل

در این بخش با بررسی معیارهای برازش مدل به بررسی تناسب مدل مفهومی پژوهش پرداخته شده است.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در مجموع تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم، میزان تأثیر مستقیم فرهنگ شهروندی بر جرم محیط‌زیستی بالاتر از دیگر متغیرها بوده (۰/۵۶)، در عین حال میزان اثرات غیرمستقیم سرمایه اجتماعی در قیاس با دیگر متغیرها بر جرم محیط‌زیستی بالاتر می‌باشد (۰/۸۶). در نهایت، بررسی اثرات کل متغیرهای مورد بررسی نشان داد که شاخص هویت ملی با ضریب ۰/۹۲ بر جرم محیط‌زیست اثر

جدول ۴- شاخص‌های برازش مدل معادلات ساختاری

ردیف	معیارهای برازش مدل	نام اختصاری	مقدار	حد مطلوب	تفسیر
۱	نسبت کای دو به درجه آزادی	$\chi^2/df$	۱/۴۸	< ۳	مطلوب
۲	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۹۵	> ۰/۹۰	مطلوب
۳	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده	AGFI	۰/۹۷	> ۰/۹۰	مطلوب
۴	شاخص برازش هنجار شده	NFI	۰/۹۰	> ۰/۹۰	مطلوب
۵	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۱	> ۰/۹۰	مطلوب
۶	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰/۰۵۶	< ۰/۰۸	مطلوب

پژوهش با مطالعات Milfont و همکاران (۲۰۲۰) و Clayton و Kilinç (۲۰۱۳) هم‌راستا است. با توجه به برآزش مناسب مدل ارائه شده هویت ملی با تأثیر بر هویت شهری (۰/۵۹) باعث افزایش احساس دلبستگی و پیوند و تعهد به شهر محل زندگی و در نتیجه مسؤولیت‌پذیری بیشتر نسبت به محیط‌زیست محل زندگی می‌شود (Diener & Hagen, 2018). علاوه بر این هویت ملی با تأثیر بر فرهنگ شهروندی (۰/۳۵) نقش مؤثری در ارتقای کنش‌گری و پرسشگری افراد جامعه نسبت به آنچه که در محیط اطراف اتفاق می‌افتد دارد (Safran, 1991).

با عنایت به یافته‌های پژوهش، متغیر فرهنگ شهروندی با میزان اثرگذاری ۰/۵۶ دومین عامل مؤثر بر کاهش ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی شناسایی شده است. متغیر مذکور با اثرگذاری مستقیم بر کاهش ارتکاب به جرائم محیط‌زیستی بیانگر اهمیت ارتقای احساس مسؤولیت نسبت به محیط‌زیست محل زندگی است. افراد به واسطه زیست در شهر، شهری نمی‌شوند بلکه حساسیت نسبت به موضوعات و مسایل شهر اعم از محیط‌زیست و مسائل مربوط به آن فرد را بخشی از جامعه‌ی مذکور می‌سازد. در واقع، مشارکت شهروندان با یکدیگر و احساس مسؤولیت آن‌ها نسبت به شرایط محیط‌زیست و آیندگان دو عامل اساسی در فرهنگ شهروندی شمرده می‌شوند که ارتباط مؤثری در حفظ محیط‌زیست و پیشگیری از جرائم محیط‌زیستی دارد. نتایج حاصل از پژوهش با پژوهش‌های Barak Pour و Jahan Seir (۲۰۱۷) و Karimi و Kamyar (۲۰۱۷) هم‌جهت است.

سرمایه‌ی اجتماعی متغیر دیگری است که به صورت غیر مستقیم بر فرهنگ شهروندی، هویت ملی و هویت شهری، تأثیر می‌گذارد. سرمایه‌ی اجتماعی می‌تواند پیامدهایی از قبیل حمایت‌اجتماعی، احساس تعلق به اجتماع، تعلق به مکان، مشارکت شهروندی و ارتباط متقابل را به ارمغان بیاورد. در این صورت، شهروندان در مواقع بروز فاجعه به کمک یکدیگر آمده یا این‌که از بروز آن پیشگیری می‌کنند. سرمایه‌ی اجتماعی در سطح خرد، متوسط و کلان، جامعه را به سوی توسعه‌ی پایدار رهنمون می‌سازد. Kabiri و KarimZade (۲۰۱۷)، Salehi و EmamGholi

با توجه به شاخص‌های برآزش مدل، مقدار کای‌دو نسبی محاسبه شده ۱/۴۸ است، وجود کای‌دو نسبی کوچکتر از ۳ مطلوب می‌باشد، هم‌چنین ریشه میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) نیز می‌بایستی کمتر از ۰/۰۸ باشد که در مدل ارائه شده این مقدار برابر ۰/۰۵۶ است. میزان شاخص‌های نکویی برآزش GFI و AGFI و CFI و NFI نیز باید بیشتر از ۰/۹۰ باشد که در مدل تحت بررسی به ترتیب برابر ۰/۹۵ و ۰/۹۷ و ۰/۹۰ و ۰/۹۱ است، لذا با توجه به شاخص‌های برآزش می‌توان گفت، داده‌های جمع‌آوری شده به خوبی مدل مفهومی را مورد حمایت قرار می‌دهند و به بیانی دیگر می‌توان گفت مدل تحقیق از برآزش مناسبی برخوردار می‌باشد.

## بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر جرایم محیط‌زیستی در میان شهروندان شهر کاشان انجام شده است. نتایج حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که هویت ملی با بیشترین تأثیر بر جرایم محیط‌زیستی نقش مؤثری در کاهش ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی دارد. از جمله متغیرهای هویت ملی عضویت در یک اجتماع سیاسی بوده و حقوق و مسؤولیت‌هایی را به افراد تفویض می‌کند. علاوه بر این هویت ملی دیدگاه مشخصی به افراد عضو داده و باعث می‌شود افراد به‌واسطه‌ی دیدگاه مذکور به ساخت جامعه بپردازند. هویت ملی باعث اتحاد اقلیت‌ها می‌شود. نسبت دادن یک صفت به جامعه باعث می‌شود افراد آن جامعه خود را با آن صفت توصیف کرده و در نتیجه به کنشی هم‌راستا با آن صفت دست یازند. به عنوان مثال، نسبت دادن صفت تمیز و سبز به یک کشور (نیوزیلند) وارد هویت فردی و جمعی اعضای آن کشور شده و اعضای آن را نسبت به محیط‌زیست حساس می‌سازد. این دیدگاه حتی به افرادی که خارج از مرزهای آن کشور زندگی می‌کنند نیز انتقال می‌یابد. در این صورت هویت ملی به گسترش و تقویت رفتارهای دوستدار محیط‌زیست از طریق دولت و نیز جامعه‌ی مدنی کمک می‌کند. نتایج به دست آمده از این

می‌شود. آگاهی و دانش اولین گام کنش بوده و می‌تواند باعث شکل‌گیری علاقه گردد، علاقه به توجه تبدیل شده و در نهایت به کنش منتهی می‌شود. مدرسه، اولین مکانی است که کودکان کنش جمعی را در آن می‌آموزند. دانش آموزان و آموزگاران می‌توانند با کمک ابزار و سالیلی که در اختیار دارند فرهنگ پیشگیری از جرایم را ارتقا دهند. مطالعات Nabavi و Mokhtar Hashi (۲۰۱۸)، McClanahan و همکاران (۲۰۱۷)، Haghghiatiyan و Vaghefi (۲۰۱۷) و Yazdkhasti و همکاران (۲۰۱۳) هم به اهمیت متغیر سرمایه‌ی فرهنگی در پیشگیری از آسیب‌های محیط‌زیستی اشاره کرده‌اند.

بدین ترتیب، سیاست‌های کلی نظام در جهت افزایش احساس تعلق به کشور، فرهنگ شهروندی، سرمایه‌ی اجتماعی، آگاهی محیط‌زیستی، دینداری، هویت شهری و سرمایه‌ی فرهنگی می‌تواند نقش مؤثری در ارتقای هویت ملی و به دنبال آن کاهش ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی داشته باشد.

## منابع

1. **Aspan, Z. and Yunus, A., 2019.** The right to a good and healthy environment: Revitalizing green constitution. IOP Conference Series: Earth and Environmental Science, 343, 1-11. <https://doi.org/10.1088/1755-1315/343/1/012067>
2. **Ayande ban, 2016.** Future studies of Iran, Center for Strategic Studies of the Presidential Institution, p. 220. [in persian]
3. **Bakhshi, M., Pirdade Biranvand, K. and Falaki, M. 2016.** Investigating the relationship between social capital and environmental behaviors of Birjand University students. Scientific Journal of Social Capital Management, 4(3), 473-451. <https://doi.org/10.22059/jscm.2018.239044.1432>. (in persian)
4. **Ballet, J., Sirven, N. and Requieres-Desjardins, M., 2007.** Social Capital and Natural Resource Management: A Critical Perspective. The Journal of Environment & Development, 16(4), 355-374. <https://doi.org/10.1177/107049650731074>
5. **Barakpour, N. and Jahan Sir, F., 2016.** Environmental citizenship and analysis of citizenship behavior in Qazvin city. City Identity, 10(4), 53-66. (in persian)
6. **Bart Bonikowski, P.D., 2016.** Varieties of American Popular Nationalism. American Sociological Review, 81(5), 949-980.

(۲۰۱۱) و Bakhshi و همکاران (۲۰۱۶) هم در پژوهش‌های خود به نقش مؤثر سرمایه‌ی اجتماعی در کاهش آسیب‌های محیط‌زیستی اشاره کرده‌اند.

آگاهی محیط‌زیستی با تأثیرکلی برابر با ۰/۶۲ متغیر دیگری است که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته بود. طبیعی است جوامع با آگاهی از انواع جرایم و نیز اثرات مخرب آن‌ها بر جهان و بالطبع، تأثیرات بالقوه‌ی جرایم مذکور بر زندگی خود آن‌ها درصدد پیشگیری از این جرائم بخواهند آمد. در برخی موارد مشاهده شده است که افراد هیچ‌گونه آگاهی از اثرات مخرب فعالیت‌هایی که روزانه انجام می‌دهند، ندارند. برای مثال نمی‌دانند که استفاده از افشانه‌ها، نایلون‌های خرید و نیز انداختن ته سیگارها بر روی زمین چه تأثیرات جبران ناپذیری بر اکوسیستم دارند. از سویی دیگر، در برخی موارد ناآگاهی افراد از راهکارهای پیشگیری یا جبران جرائم محیط‌زیستی از موارد ناآگاهی به شمار می‌آیند. افزایش میزان آگاهی محیط‌زیستی از طریق رسانه‌های دیداری و نوشتاری و نیز آموزش در مدارس و دانشگاه‌ها می‌تواند گامی مؤثر در جهت کاهش ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی باشد. نتایج این پژوهش با پژوهش Farrokhian و Valipour (۲۰۱۷) هم‌راستا است.

متغیر دینداری با تأثیر کلی برابر با ۰/۶۰ عامل دیگری است که تأثیر به‌سزایی در کاهش جرایم محیط‌زیستی دارد. به طور کلی دینداری با تکیه بر ارزش‌ها، علاوه بر تمرکز بر ارزش‌های بشری و انسانی، مراقبت از گیاهان و حیوانات را نیز در مرکز توجه قرار داده است و هر گونه بی‌توجهی به آن را مصداق عمل مکروه و خلاف دستور خداوند مطرح می‌کند. بر این اساس، افراد دیندار با توجه به آیات و روایات از آسیب به محیط‌زیست اطراف خود خودداری می‌کنند. از سوی دیگر دینداری با تأثیر بر فرهنگ شهروندی به میزان ۰/۴۱ نقش مؤثری بر ارتقای مسؤولیت‌پذیری و در نتیجه کاهش جرایم محیط‌زیستی دارد. Taleban و Memarzade (۲۰۲۰) هم در پژوهش‌های خود به نقش مهم دینداری در کاهش آسیب‌های محیط‌زیستی اشاره کرده‌اند.

در نهایت سرمایه‌ی فرهنگی با میزان تأثیرگذاری کل ۰/۴۵ قادر به پیش‌بینی واریانس ارتکاب به جرایم محیط‌زیستی است. پیشگیری از جرایم با آموزش از مدرسه آغاز

- <https://doi.org/10.1016/j.techsoc.2014.02.003>
19. **Johnson, M., 1998.** Lore: Capturing Traditional Environmental Knowledge. Diane Publishing Company.
  20. **Kabiri, A. and Karimzadeh Rezaieh, S. 2016.** Sociological analysis of the relationship between social capital and environmental concern. *Applied sociology*, 28(1), 53-66. <https://doi.org/10.22108/jas.2017.21250>. (in persian)
  21. **Karimi, A. and Kamiar, G., 2016.** Urban environment in the light of citizenship rights. *Medical Law*, 11, 81–109.[in persian]
  22. **Kousar, S., Afzal, M., Ahmed, F. and Bojnec, Š., 2022.** Environmental Awareness and Air Quality: The Mediating Role of Environmental Protective Behaviors. In *Sustainability*, 14(6). <https://doi.org/10.3390/su14063138>
  23. **Lalli, M., 1992.** Urban-related identity: Theory, measurement, and empirical findings. *Journal of Environmental Psychology*, 12(4), 285–303.
  24. **McClanahan, B., Brisman, A., & South, N. 2017.** Green Criminology, Culture, and Cinema. In *Oxford Research Encyclopedia of Criminology and Criminal Justice*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/acrefore/9780190264079.013.151>
  25. **Milfont, T.L., Osborne, D., Yogeewaran, K. and Sibley, C.G., 2020.** The role of national identity in collective pro-environmental action. *Journal of Environmental Psychology*, 72, 101522. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.jenvp.2020.101522>
  26. **Min Geh, L.S., 2008.** Singapore's Natural Environment, Past, Present and Future: A Construct of National Identity and Land Use Imperatives. In C. Wong, Tai-Chee; Yuen, Belinda; Goldblum (Ed.), *Spatial Planning for a Sustainable Singapore*, pp. 183–204. Springer.
  27. **Nabavi, H. and Mokhtarahashi, A. 2017.** Cultural capital and environmental behaviors of Tehrani families. *Social issues of Iran*, 9(2), pp. 232-209. [in persian]
  28. **Niazi, M. and Jafarpour, M., 2015.** Explanation of social and cultural factors affecting the citizenship culture of Tehrani citizens in 2013, *Social and Cultural Strategy Quarterly*, 5(19), 98-108. [in persian]
  29. **Huber, S., & Huber, O. W., 2012.** The centrality of religiosity scale (CRS). *Religions*, 3(3), 710–724.
  30. **Nix-Stevenson, D., 2013.** Human Response to Natural Disasters. *SAGE Open*, 3(3), 1–12. <https://doi.org/10.1177/0003122416663683>
  7. **Bawa, K. s., & Seidler, R. 2009.** Dimensions of Sustainable Development - Volume 1, K. S. Bawa & R. Seidler (Eds.). EOLSS Publications
  8. **Beirne, P. and South, N., 2013.** Issues in Green Criminology. Taylor & Francis.
  9. **Bourdieu, P. (1999).** Scattered remarks. *European Journal of Social Theory*, 2(3), 334–340.
  10. **Buonanno, P., Montolio, D. and Vanin, P., 2009.** Does Social Capital Reduce Crime? *The Journal of Law & Economics*, 52(1), 145–170. <https://doi.org/10.1086/595698>
  11. **Clayton, S. and Kiliç, A., 2013.** Proenvironmental concern and behavior in Turkey: The role of national and environmental identity. *PsyEcology*, 4(3), 311–330. <https://doi.org/10.1174/217119713807749850>
  12. **Costanza, R. and Daly, H. E., 1992.** Natural Capi Tal And Sustainable Development. *Conservation Biology*, 6(1), 37–46. <https://doi.org/10.1046/J.1523-1739.1992.610037.X>
  13. **Crane, A., Matten, D. and Moon, J., 2008.** Ecological Citizenship and the Corporation Politicizing the New Corporate Environmentalism. *Organization & Environment*, 21(4), pp. 371–389.
  14. **Davies, P., Francis, P. and Yatt, T., 2014.** Invisible Crimes and Social Harms. Niazi, M. and Nouri, Z., (trans.), 1st edition), Tehran: AndisheEhsan.. <https://doi.org/10.1057/9781137347824>.(in persian)
  15. **Dobson, A. and Sáiz, A.V., 2005.** Citizenship, Environment, Economy. Routledge.
  16. **Ham, M., Mrčela, D.I. and Horvat, M., 2016.** Insights For Measuring Environmental Awareness. , Preuzeto S <https://Hrcak.Srce.Hr/161021>. *Ekonomski Vjesnik*, 29(1), 159–176.
  17. **Hassan, A., Noordin, T.A. and Sulaiman, S., 2010.** The status on the level of environmental awareness in the concept of sustainable development amongst secondary school students. *Procedia - Social and Behavioral Sciences*, 2(2), 1276–1280. <https://doi.org/https://doi.org/10.1016/j.sbspro.2010.03.187>
  18. **Hope, A.L.B. and Jones, C.R., 2014.** The impact of religious faith on attitudes to environmental issues and Carbon Capture and Storage (CCS) technologies: A mixed methods study. *Technology in Society*, 38, 48–59.

- [in persian]
38. **Vaqfi, A. and Haghghatian, M., 2016.** Investigating the effect of cultural capital (institutional dimension) on social and environmental behaviors with the approach of sustainable urban development (case study: Shiraz city, Urban Economy and Management, 2(8), 47-65
  39. **Valipour Chardeh Cherik, F. and Farokhian, F., 2019.** The effect of environmental education on environmental awareness, attitude and pro-environmental behavior in secondary school girls (case study: 4th district of Ahvaz). Environmental Science and Technology Quarterly, 21(1), 213-225.  
<https://doi.org/10.22034/jest.2018.13791> [in persian]
  40. **Wang, J., Mendelsohn, R., Dinar, A., Huang, J., Rozelle, S. and Zhang, L., 2009.** The impact of climate change on China's agriculture. Agricultural Economics, 40: 323-337. <https://doi.org/10.1111/j.15740862.2009.00379.x>
  41. **Wyness, L., 2015.** "Talking of citizenship" Exploring the contribution an intergenerational, participatory learning project can make to the promotion of active citizenship in sustainable communities. Local Environment: The International Journal of Justice and Sustainability, 20(3), 277-279.
  42. **Yazdakhasi, B., Hajilo, F. and Hajizadeh Aghdam, M., 2012.** Investigating the relationship between the ecological cultural capital and the ecological footprint of the study: citizens of Tabriz. Journal of Bioethics, 3(8), 101-132.  
<https://doi.org/https://doi.org/10.22037/v3i8.13971>. (in persian.)
  31. **Onyx, J. and Bullen, P., 2000.** Measuring Social Capital in Five Communities. The Journal of Applied Behavioral Science, 36(1), 23-42.  
<https://doi.org/10.1177/002188630036100>
  32. **Portes, A., 1998.** Social Capital: Its Origins and Applications in Modern Sociology. Annual Review of Sociology, 24(1), 1-24.  
<https://doi.org/10.1146/annurev.soc.24.1.1>
  33. **Pyle, R.M., 2003.** Nature matrix: reconnecting people and nature. Oryx, 37(2), 206-214.  
<https://doi.org/10.1017/S0030605303000383>
  34. **Safran, W., 1991.** Diasporas in modern societies: myths of homeland and return. Diaspora: a journal of transnational studies 1(1), 83-99.  
<http://doi:10.1353/dsp.1991.0004>
  35. **Salehi, p. and Imam Gholi, L., 2011.** Investigating the impact of social capital on environmental behaviors (case study: Kurdistan Province). Iranian Sociology, 48 (13) 90-115. [in persian]
  36. **Sherkat, D.E. and Ellison, C. G., 2007.** Structuring The Religion-Environment Connection: Identifying Religious Influences On Environmental Concern And Activism. Journal For The Scientific Study Of Religion, 46(1), 71-85.  
<https://doi.org/10.1111/j.14685906.2007.00341.x>
  37. **Taleban, M. and Memarzadeh, A., 2020.** Religiosity and environmentalism: an empirical reflection on theoretical controversies. Contemporary Sociology Research (Scientific-Research), 8(15), 89-121.  
<https://doi.org/10.22084/csr.2020.20690.1754>



## Presenting a Causal Model of Variables Affecting the Commission of Environmental Crimes (Case Study: Kashan City)

Zahra Nouri<sup>1</sup>, Mohsen Niazi<sup>1\*</sup>

1\*- Department of Social Science, Law and Human Science Faculty, Kashan University, Kashan, Iran

### Original Article

Received:  
2022.10.30

Accepted:  
2023.01.15

**Keywords:**  
Environmental  
Crime,  
National Identity,  
Citizenship  
Culture,  
Environmental  
Awareness,  
Religiosity,  
Social Capital

### Abstract

**Introduction:** The environment and the necessity of protecting it, is one of the issues that has been considered by many scholars and experts in different fields of science in the present era, the environment is one of the dimensions of achieving sustainable development, and what is evident to everyone is the lack of life of human societies without having a healthy environment, there are different approaches to the subject of the environment, including the environmentalist-centered approach and Human-centered approach. . The first approach puts the environment at the center of its attention and considers the necessity of protecting it to all. The second approach, which is related to the utilitarian approach, considers the environment in the service of human beings and any rights, including the rights of animals, plants, etc. The first approach leads to the formation of laws to protect the environment. Such laws are planned, enacted and communicated based on the norms and values and the extent of the importance of the issue from the viewpoints of strategists and legislators of each country and are implemented by the enforcers of the laws. In the meantime, some environmental crimes are committed that have irreparable effects on the environment, but are not criminalized by criminologists and perpetrators are never held accountable or punished. These crimes, which are categorized as human rights crimes, are considered sociologically. Environmental crimes are varied based on geographical location, culture and actions of individuals and vary in every society. Identifying cultural and social factors related to crimes committed by people in the community helps community authorities to prevent crimes and achieve a healthy environment to improve the health and quality of life of citizens. The present study aimed to investigate the social and cultural factors of committing environmental crimes by Kashani citizens.

**Materials and methods:** The present study is conducted by quantitative method, using questionnaire technique. At first, existing standard questionnaires and a researcher-made questionnaire on environmental crimes were distributed among Kashani respondents who were selected by multi-step cluster sampling method using Cronbach's alpha. The number of

samples was estimated to be 358 using Cochran method, which was upgraded to 481 samples for more accuracy, after collecting data, they were analyzed by SPSS software version 20 and finally the conceptual model of the research was tested using AMOS software.

**Results:** The results of this study indicate that national identity with 0/35, urban identity 0/28, social capital 0/27, cultural capital 0/38, religiosity 0/12, environmental awareness 0/33 and citizenship culture 0/56 have a meaningful and negative affect on environmental crimes. With a path coefficient of -0/56, the highest coefficient of direct path and national identity with a coefficient of 0/92 had the highest indirect effect on committing environmental crimes. In the present study, the GFI, AGFI, CFI, and NFI goodness of fit indices were reported to be more than 0/90, which indicates the appropriate fit of the research model.

**Discussion:** In this regard, citizenship culture and national identity have a significant role in reducing environmental crimes with the highest direct and indirect effects, respectively. As a result, with the participation of the people of the society as much as possible in the activities related to the city and increasing their responsibilities in relation to the city where they live, besides, identifying and consolidating the national identity by the decision makares and law enforcers, constructive steps can be taken in order to reduce environmental crimes.